

تاریخ وصول: ۱۳۸۵/۲/۲۴

تاریخ تأیید: ۱۳۸۶/۴/۲۴

رفتارهای اطلاع‌یابی پژوهشگران تحصیلات تکمیلی رشته‌های علوم انسانی*

اندی بارت** / خدیجه نقی‌زاده***

کتابخانه، زمینه مهمی برای پژوهش‌های کتابخانه‌ای به شمار می‌رود، زیرا بررسی رفتار اطلاع‌یابی گروه‌های خاصی از کاربران به توسعه و پیشبرد انواع خدمات کتابخانه‌ای کمک می‌کند. در محیط دانشگاه، پژوهش در مورد الگوهای اطلاع‌یابی دانشجویان کارشناسی رشته‌های علوم انسانی، بر طراحی برنامه‌های مرتبط با سواد اطلاعاتی و خدمات مرجع تأثیرگذار بوده است. همچنین، مطالب بسیار زیادی درباره رفتارهای اطلاع‌یابی

چکیده: در این مقاله، رفتارهای اطلاع‌یابی پژوهشگران تحصیلات تکمیلی رشته‌های علوم انسانی، به اجمال بررسی شده است. مصاحبه‌های دقیقی با شمار اندکی از دانشجویان تحصیلات تکمیلی علوم انسانی صورت گرفته است تا معلوم شود چه گستره‌ای از آن دانشجویان، یک گروه کاربر متمایز از اعضای هیئت علمی و دانشجویان کارشناسی را تشکیل می‌دهند.

کلیدواژه: اطلاع‌یابی، رفتارهای اطلاع‌یابی، دانشجویان کارشناسی، پژوهشگران، علوم انسانی.

* "The Information-Seeking Habits of Graduate Student Researchers in the Humanities", *The Journal of Academic Librarianship*, Vol. 31, No. 4, 2005, 324-331.

** Andy Barrett

*** کارشناس کتابداری کتابخانه فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

مقدمه

هنوز هم بررسی‌های انجام‌شده درباره کاربران

دانشجویان، کاربردهای فناوری جدیدتر را بیشتر از آنچه در بررسی‌های پژوهشگران گزارش شده مورد استفاده قرار می‌دهند یا خیر. در این خصوص، دلگادیلو و لینچ به این نتیجه رسیدند که بیشتر بررسی‌های مربوط به رفتارهای اطلاع‌یابی رشته علوم انسانی، قبل از تأثیر گسترده اینترنت در دهه ۱۹۹۰ انجام شده است. اگرچه نتایج بررسی‌های تکنولوژیکی دلگادیلو و لینچ نامشخص بود، اما آنان به این نتیجه رسیدند که دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته تاریخ تمایل دارند از همان الگوهای جستجوی اطلاعات اعضای هیئت علمی رشته تاریخ پیروی کنند.

بی.تی. فیدزانی رفتار اطلاع‌یابی دانشجویان تحصیلات تکمیلی و میزان آگاهی آنها را از منابع کتابخانه‌ای در دانشگاه بوتسوآنا بررسی کرد. او بر اساس نتایج به دست آمده از این بررسی اظهار داشت که بسیاری از این دانشجویان فاقد مهارت‌های اولیه برای استفاده مفید از کتابخانه و منابع آن هستند. افزون بر این، فیدزانی موفق شد منابع اصلی متون مورد استفاده از سوی کاربران را در بررسی مشخص نماید.

به‌رغم توجه اندک کارشناسان به دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته‌های علوم انسانی، حجم قابل قبولی از متون مرتبط با رفتار اطلاع‌یابی پژوهشگران علوم انسانی وجود دارد. در بررسی‌ها و ارزیابی‌های متون بر این موارد تأکید شده است: ماهیت رو به «افزایش دانش» علوم انسانی، اهمیت کتابخانه به‌عنوان «آزمایشگاه» علوم انسانی، ترجیح رشته‌های علوم انسانی بر تک‌نگاشتها و منابع اصلی، الگوهای بازیابی اطلاعات، تأکید بر تماس‌ها و مجموعه‌های شخصی و دیدگاه محافظه‌کارانه نسبت به فناوری اطلاعات (Weintraub, 1980; Grafield, 2002).

همچنین مطالب بسیاری درباره رفتار اطلاع‌یابی دانشجویان دوره کارشناسی موجود است و هنوز هم

پژوهشگران عضو هیئت علمی رشته‌های علوم انسانی، به خدمات دانشگاهی کتابخانه‌ای وجود دارد. پژوهشگران کتابخانه‌ای توجه اندکی به دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته‌های علوم انسانی مبذول داشته‌اند، در نتیجه، رفتارهای اطلاع‌یابی آنان، اغلب مشابه رفتارهای اعضای هیئت علمی یا دانشجویان دوره کارشناسی فرض شده است. وجود شکاف آشکار در متون کتابخانه‌ای نشان می‌دهد که پژوهشی توصیفی باید انجام گیرد تا مشخص شود دانشجویان تحصیلات تکمیلی در چه زمینه‌ای یا گروه کاربر واحدی را تشکیل می‌دهند. افزون بر این، درک بهتر رفتارهای پژوهشی، به طراحی مناسب سواد اطلاعاتی و ساخت برنامه‌های آموزشی کتاب‌شناختی کمک می‌کند که اگر یافته‌های بررسی بی.تی. فیدزانی (B. T. Fidzani) در نظر گرفته شود، دانشجویان تحصیلات تکمیلی نیاز مبرمی به آنها خواهند داشت (Fidzani, 1998).

بررسی متون

جستجوی متون با عنوان رفتار اطلاع‌یابی دانشجویان تحصیلات تکمیلی، برخی از نتایج بررسی‌های پیشین را آشکار کرد که ماهیت دو مورد از آنها حاصل کار پژوهشی است: بررسی دلگادیلو (Delgado) و لینچ (Lyuch) درباره تاریخچه دانشجویان تحصیلات تکمیلی (۱۹۹۹) و بررسی بی.تی. فیدزانی درباره دانشجویان تحصیلات تکمیلی در دانشگاه بوتسوآنا (Fidzani, 1998; Stone, 1982; Watson-Boone, 1994; Jones, 1989). هدف از بررسی دلگادیلو و لینچ تشخیص این مسئله بود که آیا دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته تاریخ، همان رفتارهای اطلاع‌یابی را دارند که درباره پژوهشگران به اثبات رسیده یا خیر. افزون بر این، آنها این پرسش را طرح کردند که آیا این

تحصیلات تکمیلی رشته‌های علوم‌انسانی آنان را از الگوهای مربوط به اعضای هیئت علمی و دانشجویان دوره کارشناسی مجزا می‌کند؟ اگر چنین است چگونه؟ اطلاعات از طریق مصاحبه‌های آزاد با تعداد اندکی از دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته‌های علوم‌انسانی گردآوری و بازنویسی و شناسه‌گذاری شد.

روش تحقیق

فراخوان شرکت در پژوهش از طریق پست الکترونیک برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی، در تعدادی از رشته‌های علوم‌انسانی دانشگاه اونتاریو غرب^۱ در ژوئن ۲۰۰۴ ارسال شد. با اخذ مجوز از بخش‌های دانشگاهی از نشانی‌های پست الکترونیک آنان استفاده شد.

در مجموع، ده دانشجوی تحصیلات تکمیلی برای شرکت در این پژوهش موافقت خود را اعلام کردند. به هریک از شرکت‌کننده‌ها یک شناسه داده شد که بر اساس ترتیب مصاحبه‌ها بود (شرکت‌کننده الف، شرکت‌کننده ب و غیره) و بدین ترتیب آنان ناشناس ماندند و در رونویسی یا شناسه‌گذاری اطلاعات از هیچ اسمی استفاده نشد.

گستره شرکت‌کنندگان در پژوهش را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

- سه شرکت‌کننده از بخش انگلیسی، سه نفر از بخش تاریخ، دو نفر از بخش فلسفه، یک نفر از بخش ادبیات باستان و یک نفر از بخش موسیقی؛
- از بین سه شرکت‌کننده در مقطع کارشناسی ارشد، یکی در سال اول و دیگری در سال دوم تحصیل می‌کرد و سومی تازه فارغ‌التحصیل شده بود؛
- از بین هفت شرکت‌کننده در مقطع دکتری، دو نفر سال اول، دو نفر سال سوم و یک نفر سال ششم بودند و یکی از آنان خود را برای دفاعیه‌اش آماده می‌کرد و یک نفر هم تازه فارغ‌التحصیل شده بود.

اغلب از کارول کولیر کوهلتائو (Carol Collier Kuhlthau) و کنستانس ای. ملون (Constance A- Mellon) به لحاظ الگوسازی فرایند پژوهش در مورد دانشجویان دوره کارشناسی یاد می‌شود. کنستانس ملون فرایند پژوهش درباره دانشجویان دوره کارشناسی را مجموعه‌ای از فعالیت‌های جاری در نظر می‌گیرد که با سردرگمی و ابهام آغاز می‌شود و با استفاده از اعتماد و تفاهم پیش می‌رود (Mellon, 1984). کارول کولیر کوهلتائو، الگوهای متداول وظایف، احساسات، افکار و عملکرد را در مراحل مجزای آغاز کار، انتخاب، اکتشاف، تنظیم، گردآوری و ارائه، توصیف می‌کند: ویژگی هر مرحله منوط به میزان نگرانی و اعتماد است (Kuhlthau, 1994). سایر الگوهای رفتاری دانشجویان پژوهشگر دوره کارشناسی ارائه شده توسط پژوهشگران به این شرح است: نگرانی زیاد و موفقیت کم در استفاده از کتابخانه‌ها، «رونویسی» بیشتر از «جستجوی» اطلاعات، تلاش‌هایی در جهت به حداقل رساندن زمان پژوهش و کوشش‌های اجتماعی، عدم تمایل برای درخواست کمک، تمایل بیشتر به کمک از سوی مدرسان در مقایسه با کتابداران، خط‌مشی‌های تحقیقات تصادفی، دشواری در تنظیم تکالیف و گام‌های اولیه سردرگمی و ناراحتی (Kuhlthau, 1998; Leckie, 1996; Valentine, 1993; Osiope, 1988; Robinowitz, 2000; Fislser, 1991; Kennedy at. al. 1999).

طرح پژوهش

این پژوهش به صورت یک بررسی توصیفی درباره رفتار اطلاع‌یابی دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته‌های علوم‌انسانی با توجه به الگوهای موجود رفتار تحقیقاتی اعضای هیئت علمی و دانشجویان دوره کارشناسی طراحی شده است. این پرسش مهم در این پژوهش مطرح شد: آیا رفتارهای اطلاع‌یابی دانشجویان

1. University of Western Ontario

مصاحبه‌ها

مصاحبه‌ها در ماه‌های ژوئن و ژوئیه ۲۰۰۴ انجام و بر روی نوار ضبط شد. زمان تقریبی مصاحبه‌ها نزدیک به ۴۰ دقیقه بود. در این مصاحبه‌ها، از پرسش‌های آزاد استفاده شد که تلویحاً از پیش تعیین شده بود. برنامه مصاحبه بر اساس پنج رده الگوهای رفتاری مستند قرار داشت که می‌توان آنها را به شرح زیر خلاصه کرد:

دستیابی به فناوری اطلاعات و راحت بودن با آن

شایعه‌ای وجود دارد که بر اساس آن پژوهشگران عضو هیئت علمی دانشکده علوم انسانی از به کارگیری فناوری «وحشت» دارند (Case, 1991)؛ گرچه، کار استفن وِبرلی (Stephen Wiberley) و استفن لِمَن (Stephen Lehmann) و پاتریشیا رنفرو (Patricia Renfro) نشان می‌دهد که کارشناسان علوم انسانی تا زمانی که فناوری باعث صرفه‌جویی کافی در زمان یا جستجو شود آن را می‌پذیرند (Wiberley, Lehmann & Renti, 1991). افزون بر این، دلگادیلو و لینچ به این نکته اشاره کرده‌اند که بیشتر بررسی‌های انجام شده درباره رفتارهای پژوهشی کارشناسان علوم انسانی قبل از تأثیر گسترده اینترنت در دهه ۱۹۹۰ بوده است (Dellgadillo & Lynch, 1990; Dilevko & Gottlieb, 1999). پژوهشگران از طریق مقایسه، پذیرش گسترده فناوری اطلاعات را به ویژه در اینترنت و در میان دانشجویان دوره کارشناسی به تصویر می‌کشند؛ گرچه، بسیاری از دانشجویان هنوز هم مجلات چاپی و رساله‌های تک‌موضوعی را ترجیح می‌دهند (Stone, 2000; Bodi, 2002). پرسش‌های مصاحبه برای کاوش نظرات شرکت‌کنندگان از منابع اطلاعاتی الکترونیک طراحی شده بود.

ارتباط بین اشخاص

گرچه پژوهشگران رشته‌های علوم انسانی اغلب تنها کار می‌کنند، بر تجربه و اظهارات همکارانشان و نیز فرصت‌های ارائه‌شده در کنفرانس‌ها تأکید زیادی دارند. اعضای هیئت علمی رشته‌های علوم انسانی اغلب با آرشویست‌ها مشورت می‌کنند تا با کتابداران (Stone, 2000). درحالی‌که دانشجویان دوره کارشناسی در مقایسه با اعضای هیئت علمی فاقد بسیاری از منابع موردنیاز در دانشکده هستند (Leckie, 1996). دانشجویان دوره کارشناسی نیز مانند اعضای هیئت علمی، وقتی به کمک نیاز دارند به ندرت با کتابداران مشورت می‌کنند و ترجیح می‌دهند از کمک‌های مدرسان و دوستانشان استفاده کنند (Fisler, 1991). در مصاحبه، پرسش‌هایی برای نشان دادن ارتباط بین اشخاص مطرح شده بود که مصاحبه‌شوندگان در طی پژوهش بیشتر آنها را به کار می‌بردند.

منابع اطلاعاتی

مشاهده شده که پژوهشگران رشته‌های علوم انسانی، اغلب مجموعه‌های خصوصی شایان توجهی را گرد می‌آورند که در طی پژوهش از آنها استفاده می‌کنند (Sweetland, 1992). به‌طور کلی، آنان رساله‌های تک‌مقاله‌ای را به پایاندها ترجیح می‌دهند و توجه خاصی به منابع اصلی نسخه‌های خطی و دیگر اشکال مطالب اولیه دارند (Ibid). پژوهشگران عضو هیئت علمی، بر دانش شخصی و تجربه خود در زمینه‌های تخصصی هم تأکید دارند (Leckie, 1996). به همین ترتیب، دانشجویان پژوهشگر دوره کارشناسی نیز کتاب‌ها را به پایاندها ترجیح می‌دهند؛ گرچه، مشخص شده که بسیاری از آنان با روش‌های پیگیری مقاله‌های مجلات آشنایی ندارند (Valentine,

برای نشان دادن راهبردهای بازیابی اطلاعات شرکت‌کنندگان طراحی شده بود.

روند آغاز پروژه‌های پژوهشی

پژوهشگران عضو هیئت علمی رشته‌های علوم انسانی، اغلب پروژه‌ها را به طور تصادفی و گاهی فقط با مفهوم مبهمی از غایت پروژه شروع می‌نمایند (Case, 1991). به نظر می‌رسد آنها با این روش کاملاً مأنوس شده‌اند و معمولاً گزارشی از نگرانی جدی برای مقابله با چنین عدم اطمینانی وجود ندارد. همچنین درباره مشکلات زمانی نیز وضع به همین ترتیب است. در عوض، کار دانشجویان دوره کارشناسی تا حد زیادی ناشی از انجام تکلیف است؛ از این رو، تمایل دارند که زودتر کارشان را انجام دهند. گفته شده است که این دانشجویان به طور کلی در مراحل اولیه پیشرفت پروژه با نگرانی فراوانی روبه‌رو می‌شوند و اغلب برای تنظیم تکالیف و تمرکز بر پرسش‌های پژوهش با مشکل مواجه هستند (Kuhlthau, 1994). پرسش‌های مصاحبه برای نشان دادن نحوه شروع پروژه‌های پژوهشی از سوی شرکت‌کنندگان و مشخص کردن سطوح راحتی یا عدم نگرانی در مراحل گوناگون پژوهش طراحی شده بود.

«همه به جز یک نفر، به شدت با این گفته مخالف بودند که کارشناسان رشته‌های علوم انسانی علاقه‌ای به فناوری اطلاعات الکترونیک ندارند.»

نتایج دیدگاه‌ها در مورد فناوری اطلاعات و راحت بودن با آن

شرکت‌کنندگان عموماً از فناوری اطلاعات الکترونیک تنها به عنوان یکی از ابزارهای مناسب برای پژوهش خود صحبت کردند که می‌توان به میزان کمتر یا بیشتر، برحسب ماهیت پروژه، آن را به کار برد.

1993). آنها، به‌ویژه در مراحل اولیه پروژه تحقیقاتی تأکید بسیاری بر منابع اینترنتی دارند، اما برای منابع چاپی هم ارزش قائل‌اند (Dilevko & Gottlieb, 1999). با توجه به اینکه بیشتر دانشجویان دوره کارشناسی، فاقد دانش و تجربه در زمینه‌های مورد بررسی هستند، اغلب بر تجربیات قبلی یا دیگر مطالب دوره آموزشی تأکید می‌کنند (Leckie, 1996). یادداشت‌های برداشته‌شده از سخنرانی‌ها، کتب درسی و مطالب روز، از جمله منابع باارزش اطلاعاتی برای دانشجویان دوره کارشناسی محسوب می‌شود و گفته شده که آنها اغلب در جستجوی تمام منابعی هستند که حتی الامکان به سرعت از کتابخانه بیابند (Ibid). پرسش‌های مصاحبه برای مشخص کردن میزان استفاده از منابع توسط مصاحبه‌شوندگان طراحی شده بود.

الگوهای بازیابی اطلاعات

پژوهشگران عضو هیئت علمی رشته‌های علوم انسانی، هنگام جستجوی اطلاعات، گند، بی‌نظم و خوش‌شانس توصیف شده‌اند و گفته می‌شود که «راه خودشان» را از طریق مرور و جستجو در قفسه‌ها و دنبال کردن مستندها می‌یابند (Bernhard). دانشجویان دوره کارشناسی هم هنگام تحقیق درباره اطلاعات، «بی‌نظم» توصیف شده‌اند، اما اغلب قدری نگرانی و ناراحتی هم در آنها مشاهده می‌شود که در مورد اعضای هیئت علمی صدق نمی‌کند (Kuhlthau, 1994). همچنین اذعان شده است که دانشجویان دوره کارشناسی برای جستجوی اطلاعات از «روش کپی کردن» استفاده می‌کنند و اغلب می‌کوشند اطلاعات «کافی» برای برآورد نیازهای خود با «حداقل قیمت و هزینه از لحاظ زمان و تلاش» به دست بیاورند (Leckie, 1996). در مصاحبه پرسش‌هایی نیز

شکافی را بین بخش‌های خودشان شرح دادند که در آن دانشجویان تحصیلات تکمیلی و اعضای جوان‌تر هیئت علمی، در مقایسه با اعضای مسن‌تر تمایل بیشتری به استفاده از فناوری اطلاعات الکترونیک نشان می‌دهند. یکی از شرکت‌کنندگان در ارتباط با این ایده که کارشناسان علوم انسانی علاقه‌ای به فناوری اطلاعات الکترونیک ندارند گفت: «من فکر می‌کنم ما جزو نسلی هستیم که اگر باید تغییری در آن صورت بگیرد زمانش همین حالا است».

ارتباط بین افراد

تمام شرکت‌کنندگان موافق بودند که منفرد بودن نویسنده در رشته‌های علوم انسانی یک قاعده استاندارد است و همکاری در خارج از پروژه‌های الکترونیک و سرمقاله‌ای به ندرت صورت می‌گیرد. یکی از شرکت‌کنندگان اظهار داشت که همکاری در صورتی انجام می‌شود که پروژه آن را ایجاب کند. با وجودی که تمام شرکت‌کنندگان در زمان مصاحبه درگیر پروژه‌های انفرادی بودند شکل‌های بسیاری از ارتباط‌های بین افراد، به‌عنوان ارتباط‌های به‌وجودآورنده حمایت، هدایت و بازخورد توصیف شد که از آن میان، استاد راهنمای پروژه کسی بود که بیشترین مشورت با وی صورت می‌گرفت. استادان راهنما به‌عنوان ارائه‌دهندگان توصیه‌های بارز، تشویقی و پیشنهاددهنده درباره منابع و عناوین پژوهش و مقدمات دیگر ارتباط‌ها توصیف شده‌اند. همچنین شرکت‌کنندگان، ارتباط منظم را با کارشناسان خارج از مؤسسات خود، به‌ویژه در مورد مطالبی که باید مطالعه کنند، شرح داده‌اند. همان طوری که یکی از شرکت‌کنندگان تعریف کرد:

همه، به‌جز یک نفر، به‌شدت با این گفته مخالف بودند که کارشناسان علوم انسانی به فناوری اطلاعات الکترونیک علاقه‌ای ندارند. در مقابل، شرکت‌کنندگان به تشریح انواع ابزارهای اطلاعات الکترونیک پرداختند که خود اغلب از آنها استفاده می‌کنند که عبارت‌اند از: مجله‌های الکترونیک، اوپک‌ها^۲ (دسترسی پیوسته به فهرست همگانی)، لوح‌های فشرده رشته‌های خاص، موتورهای جستجوی اینترنت و وبگاه‌ها. یکی از شرکت‌کنندگان در حال تکمیل نسخه مبتنی بر وب برای یک نمایشنامه معروف بود.

بیشتر شرکت‌کنندگان اعلام کرده‌اند که یادگیری آنها از منابع اطلاعات الکترونیک به همان میزان است که از طریق کمک استادان راهنما و همکارانشان بوده و سعی و تلاش خودشان نیز تأثیر بسزایی داشته است. بسیاری از آنها احساس می‌کردند که در حال حاضر، در مقایسه با قبل، تعداد بیشتر و متنوع‌تری از منابع اطلاعاتی الکترونیک معتبر در دسترس است. شرکت‌کنندگان، از ویژگی‌های مربوط به کارایی و صرفه‌جویی در وقت، با استفاده از فناوری اطلاعات الکترونیک، مانند کارایی پایگاه‌های اطلاعاتی قابل جستجو، در مقایسه با نمایه‌های چاپی، سرعت پردازش واژه و مناسب بودن دسترسی از راه دور به متن کامل مجلات صحبت کردند.

متداول‌ترین شکایت شرکت‌کنندگان از فناوری اطلاعات الکترونیک، فقدان منابع اولیه در دسترس بود. برخی از آنها گزارش نمودند که آن‌طور که باید و شاید با منابع الکترونیک احساس راحتی نمی‌کنند و در آن تبحر ندارند. یکی از آنان اظهار داشت فناوری اطلاعات الکترونیک به ندرت انتظارات را برآورده می‌کند. تعدادی از شرکت‌کنندگان، وجود

2. OPACs

بخش عمده پژوهش من مشخص کردن قسمت‌های ضبط شده بود که نیاز به ویرایش داشت، زیرا بایستی تمام نوارها را گوش می‌دادم و سپس درباره ادغام بخش‌هایی از نوار ۸ با نوار ۱۰ و نوار ۷ تصمیم می‌گرفتم و قسمت‌هایی را که می‌خواستم در آن بخش‌های ترکیبی به وجود آمده مورد استفاده قرار بدهم، مشخص کنم.

انواع منابع دست اول ذکر شده، شامل مجلات جدید، مطالب ضبط شده، مجموعه‌های شخصی، دست‌ساخته‌های موزه‌ای، نسخه‌های خطی اصلی و کتاب‌ها هستند. بسیاری از شرکت‌کنندگان از بروز مشکل هنگام پیگیری منابع ابتدایی خاص صحبت کردند. آنها برای انجام این کار به‌طور منظم از بانک‌های اطلاعاتی و نمایه‌ها استفاده و قفسه‌های کتابخانه‌ها و کتاب‌فروشی‌ها را جستجو کرده‌اند و اظهارات درج شده در کتاب‌ها و مقاله‌ها و رساله‌های دیگر را هم دنبال نمودند. سه تن از آنها به‌طور منظم از موتور جستجوی گوگل^۳ برای یافتن اطلاعات کلی درباره یک موضوع استفاده کردند و یکی از آنان استاد راهنمای پروژه را یک منبع مهم اطلاعاتی خواند و یک شرکت‌کننده به بررسی دیگر مقالات اشاره کرد.

«پیگیری مستندها یا کتاب‌هایی که به کتاب‌های دیگر ارجاع می‌دهند یکی از روش‌های پربسامد در جستجوی منابع است».

الگوهای بازیابی اطلاعات

بیشتر شرکت‌کنندگان، رفتار اطلاع‌یابی خود را فرایند شخصی مطالعه پیوسته، «کاوش» و پیگیری راهنماها تشریح کرده‌اند. پیگیری مستندها یا به گفته یکی از شرکت‌کنندگان «کتاب‌هایی که به کتاب‌های

افراد می‌داند چه چیز بیشتر و چه چیز کمتر ارزش صرف وقت را دارد».

همچنین، شرکت‌کنندگان درباره مکالمات اتفاقی با دیگر دوستان در حال تحصیل در مؤسسات داخلی صحبت کردند که اغلب اطلاعات و بازخورد باارزشی را ارائه دادند. وقتی از آنها خواسته شد ارزش ارتباط با کارشناسان خارج از مؤسسات و ارتباط با همکاران در حال تحصیل خود را مقایسه کنند یکی از آنها جواب داد: «هر دوی آنها مفید هستند و من فکر نمی‌کنم شما بتوانید یکی را بدون دیگری داشته باشید».

بسیاری از شرکت‌کنندگان هنگام بحث درباره منابع شخصی ارزشمند که پیدا کردندشان دشوار است، به کتابداران مراجعه می‌کنند. همچنین چند تن از شرکت‌کنندگان (بیشتر آنهایی که در مراحل پایانی اخذ دکتری هستند) کنفرانس‌ها را زمینه‌ای مناسب برای بحث درباره پروژه‌ها با دیگر پژوهشگران ذکر کردند.

منابع اطلاعاتی

شرکت‌کنندگان هنگام بحث درباره انواع منابع اطلاعاتی به کاررفته در تحقیقاتشان تأکید زیادی بر منابع دست اول داشتند. تعدادی از آنها از منابع دست اول به‌عنوان موارد ضروری برای اعتبار بخشیدن به نظریه‌ها و فرضیاتشان نام بردند. منظور از این تأکید آن است که بسیاری از شرکت‌کنندگان به دسترسی به بایگانی‌ها و مجموعه‌های خاص نیاز دارند که اغلب مستلزم خروج از مؤسسات خودشان است یا حتی گاهی ناچار به سفر به خارج از کشور هستند. آن‌طور که یکی از شرکت‌کنندگان بیان کرده است:

3. Google

مرتبط با موضوع می‌تواند عامل مهمی باشد. این فرد می‌گوید: «این مطلب ممکن است موضوع اصلی کتاب نباشد، بلکه فصلی از یک کتاب یا زیرفصلی از کتاب باشد». یکی دیگر از شرکت‌کنندگان اظهار داشت که «هیچ‌گونه راهنمایی واقعی در مورد آنچه باید خوانده شود وجود ندارد» و اغلب پژوهشگران مجبورند برای یافتن «عناوین مورد نظرشان» به مرور همه مطالب بپردازند. دو شرکت‌کننده توضیح بیشتری دادند و گفتند که در حین کسب تجربه پژوهشی هنگام مرور مطالب، به‌طور «غریزی» عمل کردند و یکی از آنها گفت: «شما باید مثل سگ شکاری باشید؛ یعنی باید تکه‌ای از یک شیء را خوب بو بکشید و بعد برای پیدا کردنش بروید، اما آن کار خیلی طول می‌کشد و این کار خیلی سریع انجام می‌شود».

شرکت‌کنندگان، همچنین دستیابی به اطلاعات از طریق اظهارات استادان راهنما، کنفرانس‌ها و جستجوی فهرست‌های کتاب‌شناسی با موضوعات خاص، دسترسی مداوم به فهرست همگانی و بانک‌های اطلاعاتی را متذکر شدند.

روند آغاز پروژه‌های پژوهشی

تعداد اندکی از شرکت‌کنندگان گزارش داده‌اند که هنگام ورود به برنامه‌های تحصیلات تکمیلی خود، در مورد آنچه به دنبالش می‌گشتند کاملاً آگاهانه عمل کردند؛ گرچه، اغلب آنها مجبور بودند هنگام ارائه درخواست‌هایشان، زمینه مورد علاقه‌شان را نیز ذکر کنند، که بیشتر اظهاراتشان گنگ و نامفهوم به نظر می‌آمد. مثلاً یکی از شرکت‌کنندگان به قصد کار کردن در «ادبیات مدرن سال‌های ۱۸۸۵ تا ۱۹۴۵ وارد یکی از برنامه‌های

دیگر ارجاع می‌دهند، یکی از روش‌های پرسامد در جستجوی منابع است». یکی از شرکت‌کنندگان این مطلب را به‌عنوان «موتور جستجوی اطلاعات» در میان پایان‌نامه‌ها شرح داده است. شرکت‌کنندگان، پیگیری مستندها را روش برخورد با فراوانی اطلاعات توصیف کردند، زیرا بدیهی است که یک نفر نمی‌تواند تمام مطالب مربوط به یک عنوان را مطالعه کند. یکی از شرکت‌کنندگان عنوان کرد: «یادداشت‌برداری بیشتر از سوی مردم، مهم‌تر و در نتیجه اثرگذارتر بوده است، اما لزوماً بدان معنی نیست که اعتبار آن هم بیشتر است، ولی ارزش صرف وقت بیشتر را دارد». همچنین، شرکت‌کنندگان استفاده روزافزون از پی‌گیری مستندها را ناشی از دستیابی به تجارب پژوهشی توصیف نمودند. «در سطح کارشناسی و کارشناسی ارشد» یکی از شرکت‌کنندگان چنین اظهار کرد:

من به نمایه فلاسفه^۴ مراجعه و فهرست مطالبی را که قصد داشتم بخوانم تهیه می‌کردم و همان‌ها را هم می‌خواندم و این مرحله‌ای واحد در پژوهش من بود؛ درحالی‌که حالا کارم را با بررسی گسترده آغاز می‌کنم و بعد به مقالاتی می‌پردازم که هنگام مشاهده کارهای ارائه‌شده در فهرست دیده‌ام و توجهم را جلب کرده‌اند.

چند تن از شرکت‌کنندگان اغلب به مرور و جستجو در قفسه‌های کتابخانه‌ها و کتاب‌فروشی‌ها می‌پرداختند تا اطلاعات مربوط به عناوین پژوهش خود را بیابند. یکی از آنها گفت: «تا وقتی شما به مخازن رجوع نکنید نمی‌دانید چه چیزی در آنجا پیدا خواهید کرد». یکی دیگر از شرکت‌کنندگان شرح داد اطلاعاتی که یک پژوهشگر در جستجوی آن است در عنوان یا شرح یک کتاب یا یک مقاله ذکر نشده است و از این رو واقعاً تورق صفحه‌های

4. Philosopher's Index

شرکت‌کنندگان اظهار داشت چون یکی از استادان راهنما علاقه‌اش را به پروژه تحقیقاتی از دست داده بود او هم آن پروژه را رها کرد.

اغلب شرکت‌کنندگان به یافتن یک «شکاف» در مطالب فرعی یا مطلع شدن از چنین موضوعی توسط استاد راهنما اشاره کردند که پژوهش خودشان هم برای پر کردن آن شکاف آغاز شده بود. بسیاری از شرکت‌کنندگان زمینه‌های خاصی را با مطالعه مطالب فرعی اندک در حین پژوهش کشف کردند. یکی از شرکت‌کنندگان در جستجو برای یافتن چنین شکاف‌هایی تحت عنوان بخش معمولی فرایند پژوهش اشاره کرد و گفت: «شما اغلب می‌توانید از طریق یافتن تناقض، به‌ویژه با پیدا کردن الگوی تکرار شده تناقضات در بحث‌های قدیمی، راهی برای ورود به بحثی جالب توجه بیابید که این کار یکی از روش‌های تصمیم‌گیری در این مورد است که چیزی پیدا کرده‌اید یا نه». برخی از شرکت‌کنندگان به شرح نحوه «شناخت» شکاف‌ها از طریق ارتباط دادن کارها با بحث‌های آشنا در متون جدید پرداختند. یکی از آنها گفت: «کار کردن روی متن نمایشنامه‌ها در یک رسانه جدید به شما امکان می‌دهد که درباره رسانه اصلی به صورتی فکر کنید که دیگران نکرده‌اند»، و یکی دیگر از آنها خود را «تفکر و پژوهشگری در زمینه متون تطبیقی» نامید و گفت: «تنها راه شکل دادن به ایده‌هایم با دریافت یک مطلب و قرار دادن آن در متنی جدید و اصلی است و برای من این نکته اصلی و کلی چیزی است که مشغول انجام دانش هستم».

دیگر منابع اصلی پروژه‌های پژوهشی، شامل پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد، علایق تحقیقاتی درازمدت، سرمایه‌گذاری برای پیشنهادها،

دوره‌های تکمیلی شده بود». بسیاری از شرکت‌کنندگان نتوانستند کارشان را در زمینه‌هایی که در بدو ورود به برنامه‌ها ذکر کرده بودند به پایان برسانند.

سه نقطه آغاز متداول در پروژه‌های پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا در بین شرکت‌کنندگان عبارت بود از: سمینارها، استادان راهنما و شناسایی «شکاف‌ها» در مطالب. تعداد زیادی از شرکت‌کنندگان می‌توانستند ایده‌های اولیه پروژه خودشان را به سمینارها و سخنرانی‌های آموزشی در سطح دانشجویان تحصیلات تکمیلی ارتباط دهند و تعداد کمی از آنان به ایده‌های پروژه مرتبط با مطالعه مستقل دوره‌های آموزشی اشاره کردند و دو نفر ایده‌های مربوط به مطالعه دوره‌های آموزشی را در سطح دکتری را تشریح کردند که برای معرفی یک مقاله طراحی شده بود.

همه شرکت‌کنندگان، به‌جز یک نفر از کمک‌مدرسان و یک نفر از اعضای هیئت علمی، برای پیاده کردن ایده‌های پروژه‌ها مساعدت نمودند. بسیاری از شرکت‌کنندگان به این نکته اشاره کردند که پس از بحث درباره ایده‌های کلی با یکی از مدرسان، راحت‌تر به جستجوی مورد نظرشان پرداخته‌اند. برخی از شرکت‌کنندگان اذعان داشتند که مدرسان دوره از دریافت یک تکلیف خاص، «هیجان‌زده» می‌شدند و پیشنهاد تبدیل آن به یک پژوهش گسترده را مطرح می‌کردند. یکی از شرکت‌کنندگان این مطلب را خاطر نشان می‌سازد که «این دوره مطالعه، واقعاً من و استادی را که با او کار می‌کردم به هیجان آورد و باعث شد تمام مقاله بررسی شود». بیشتر شرکت‌کنندگان مدرسانی را به عنوان استاد راهنمای پروژه انتخاب کردند که در وهله اول آنها را تشویق کرده بودند. یکی از

دیگر از آنها گفت: «شما همه چیز را در جیب عقب لباستان دارید و فقط کافی است به عقب برگردید و نگاهی به آن بیندازید، آنچه به دست می‌آورد خیلی شبیه یک پژوهش درحال گسترش است». تعدادی از شرکت‌کنندگان، نحوه پیشرفت چنین «سرنخ‌هایی» را زمانی می‌دانستند که فرد درباره یک عنوان فکر می‌کند که لزوماً می‌تواند در طول مدتی برابر با سال‌ها پژوهش به تعبیر آن پردازد.

ادراک شخصی

همه شرکت‌کنندگان وقتی مورد پرسش قرار گرفتند، فرایند پژوهش خود را از دانشجویان دوره کارشناسی متمایز نمودند. بیشترین تفاوت‌های ذکر شده عبارت بود از: «دانش مربوط به انجام امور» و آشنا بودن با انواع متنوع‌تری از منابع. تعدادی از شرکت‌کننده‌ها اعلام کردند که در زمان کارشناسی ارشد خیلی بیشتر از زمانی که دانشجوی کارشناسی بودند اعتماد به نفس داشتند. یکی از آنها تصور می‌کرد که دانشجوی تحصیلات تکمیلی بودن به این معنی است که بقیه او را جدی‌تر می‌گیرند. برخی از شرکت‌کنندگان شرح دادند که پس از پیشرفت برنامه‌هایشان، به نوعی احساس حرفه‌ای بودن و خاص بودن پژوهش در آنها به وجود آمد. یکی از شرکت‌کنندگان گفت که فرد «در وضعیت قبل از تحصیلات تکمیلی برای برآوردن نیازهای یک دوره آموزشی به ارائه مقاله یا رساله می‌پردازد». او مایل است مقاله یا رساله خوبی تهیه کند؛ یعنی مقاله یا رساله‌ای که هم شایان توجه باشد و هم قابلیت پرداختن به مطالب را نشان بدهد، «اما هیچ‌گونه حس خاصی درباره مطالب وجود ندارد، چون من به‌عنوان یک دانشجوی کارشناسی ارشد این احساس را دارم که «بسیار خوب! این یک پژوهش با موضوع

تجربه‌کاری و توجه به قابلیت ارائه کار به بازار است.

شکل دادن و تنظیم کردن پروژه‌های پژوهشی

بسیاری از شرکت‌کنندگان، محدودیت زمانی را عامل مهمی در شکل دادن و تنظیم کردن پروژه‌های پژوهشی خود، به‌ویژه در مراحل آخر برنامه‌هایشان ذکر نمودند. یکی از شرکت‌کنندگان گفت: «وقت تمام شد»، نشان‌دهنده تجربه‌ای مشترک بین چندین نفر از شرکت‌کنندگان است که تصمیم گرفته‌اند بیشتر بر نوشتن متن تمرکز داشته باشند تا پژوهش درباره آنها، چون پایان زمان پژوهش تا موقع دفاعیه اعلام شده بود. یکی دیگر از شرکت‌کنندگان وضعیت را اینگونه توصیف کرد: «من مجبور بودم کار را متوقف کنم، در غیر این صورت کار برای همیشه ادامه پیدا می‌کرد». به همین ترتیب یکی دیگر از آنان اذعان داشت که «بیشتر مواقع، ما با نزدیک شدن زمان ضرب‌الاجل، نوشتن تفصیلی را آغاز می‌کنیم، چه کار را تمام کرده باشیم و چه تمام نکرده باشیم». برخی از شرکت‌کنندگان با نزدیک شدن زمان پروژه، فقط با «خواندن مطالب ضروری» از عهده مقابله با این مشکل برآمدند؛ گرچه، هیچ‌یک از آنها گزارشی در مورد نارضایتی یا ناامیدی خود از لحاظ تمام شدن زمان پروژه ارائه نکردند. یکی از آنها اضافه می‌کند: «هیچ کار هنری با رقابت انجام نمی‌شود، بلکه رها می‌گردد».

بسیاری از شرکت‌کنندگان با یافتن و جمع‌آوری سرنخ‌های پژوهشی پراکنده که می‌توانند پایه و اساس پروژه‌های آتی را تشکیل بدهند، از عهده موانع و حجم زیاد پروژه‌های پژوهشی برآمدند. یکی دیگر از شرکت‌کنندگان به داشتن «فهرست کاملی از دیگر ایده‌های مربوط به این رساله» اشاره کرد که می‌توان آن را تبدیل به چند مقاله نمود. یکی

این گفته که کارشناسان علوم انسانی از فناوری «می ترسند» ظاهراً در نمونه حاضر پایه و اساس اندکی دارد.

«شکاف نسلی که بسیاری از شرکت کنندگان به آن اشاره کرده‌اند نشان می‌دهد که تغییری شگرف در رشته‌های علوم انسانی رخ داده و... فناوری اطلاعات الکترونیک اینک به صورت بسیار متداول‌تر و به شکل یک ابزار پژوهشی مورد استفاده قرار می‌گیرد».

استفاده گسترده شرکت کنندگان از فناوری اطلاعات الکترونیک، آنان را در رده الگوهای موجود پژوهشی دانشجویان دوره کارشناسی قرار می‌دهد. با ذکر این مطلب، بسیاری از مصاحبه‌شوندگان خود را از این نظر از دانشجویان دوره کارشناسی متمایز دانسته‌اند و اغلب «این باور غلط را دارند که همه چیزهایی که در کتابخانه وجود دارد در اینترنت هم موجود است». همچنین، بسیاری از شرکت کنندگان خود را در مقایسه با اکثر دانشجویان دوره کارشناسی، دارای آگاهی بیشتری از مجموعه‌ای از منابع الکترونیک می‌دانند که در دسترسشان قرار دارد.

شایان ذکر است مادام که بیشتر بررسی‌های پیشین درباره واکنش کارشناسان علوم انسانی در قبال فناوری اطلاعات الکترونیک بر نحوه استفاده این افراد از فناوری به عنوان یک ابزار متمرکز است، کارشناسان علوم انسانی به صورت فزاینده، فناوری اطلاعات الکترونیک را به عنوان موضوع تحقیق در نظر می‌گیرند. به عنوان مثال دو تن از شرکت کنندگان در بررسی کنونی حضور فعالی در پروژه‌های مربوط به متون الکترونیک داشتند. آن‌طوری که یکی از شرکت کنندگان اذعان داشت: «رساله من درباره یک پروژه فناوری اطلاعاتی است که دارای نقاط اشتراک با ادبیات است».

جدید است». یکی دیگر از شرکت کنندگان خاطرنشان کرد که «شما در حال سرمایه‌گذاری در عناوینی هستید که به احتمال زیاد پایه و اساس کار حرفه‌ای‌تان را برای حداقل ۵ تا ۱۰ سال آینده تشکیل می‌دهد».

شرکت کنندگان در متمایز کردن فرایند پژوهش خود از کار اعضای هیئت علمی با دشواری بیشتری روبه‌رو بودند. تعدادی از آنان اظهار کردند که تفاوت میان آنها کم است. برخی از شرکت کنندگان تصور می‌کردند که اعضای هیئت علمی در پژوهش کاراتر از آنها هستند. برخی دیگر معتقد بودند که اعضای هیئت علمی همکاری مفیدتری دارند، یا به قول برخی دیگر، اعضای هیئت علمی تجربه موضوعی بیشتری دارند و زمان کمتری را در مراحل اولیه پژوهش (مانند انتخاب عنوان و خواندن سوابق) صرف می‌کنند. یکی از شرکت کنندگان از اعضای هیئت علمی به دلیل اینکه از زمینه‌های تثبیت‌شده یک تخصص دور می‌شوند، انتقاد کرد.

نتیجه‌گیری

دیدگاه‌ها در مورد فناوری اطلاعاتی و راحت بودن با آن

نتایج حاصل از این بررسی مؤید این گفته دلگادیلو و لینچ است که بیشتر بررسی‌های انجام‌شده در مورد رفتار اطلاع‌یابی کارشناسان علوم انسانی، قبل از نفوذ گسترده اینترنت در دهه ۱۹۹۰ صورت گرفته است (Delgadillo & Lynch, 1990). به خصوص «شکاف نسلی» که بسیاری از شرکت کنندگان به آن اشاره کرده‌اند نشان می‌دهد که تغییر شگرفی در رشته‌های علوم انسانی رخ داده و فناوری اطلاعات الکترونیک اینک به صورت بسیار متداول‌تر و به شکل یک ابزار پژوهشی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

شرکت‌کنندگان در آغاز پروژه‌هایشان، در مقایسه با دیگران، از قبل اطلاعات موضوعی بیشتری داشتند، نمی‌توان گفت که همه شرکت‌کنندگان کارشان را بر پایه تجربه «اساسی» در زمینه‌های تحقیقاتی خود شروع کرده‌اند که این ویژگی هم به‌عنوان یکی از ویژگی‌های کلیدی رفتار اعضای هیئت علمی شرح داده شده است (Leckie, 1996). همچنین، شایان ذکر است که استفاده تعدادی از شرکت‌کنندگان از موتورهای جستجو مانند «گوگل» به بررسی‌های قبلی رفتار پژوهشی اعضای هیئت علمی ارتباطی ندارد؛ گرچه، در میان دانشجویان دوره کارشناسی به‌عنوان یک گزارش ذکر شده است (Dilevko & Giottlieb, 1999).

الگوهای بازیابی اطلاعات

هیچ‌یک از شرکت‌کنندگان گزارشی مبنی بر داشتن نگرانی شدید در ارتباط با پیگیری مطالب مرتبط با پژوهش ارائه نکرده‌اند که در میان دانشجویان دوره کارشناسی عموماً شرح داده شده است (Kuhlthau, 1994). در این خصوص، رفتار شرکت‌کنندگان، بازتاب رفتار اعضای هیئت علمی است: فرایند غیرمستقیم جستجوی قفسه‌های کتابخانه‌ها و کتاب‌فروشی‌ها و پرداختن به مستندها، با توجه به این گفته که کارل جی. ویتراب، به‌عنوان نوعی کار کارآگاهی توصیف می‌کند. همچنین، این نکته که بسیاری از شرکت‌کنندگان خود را «پیوسته در حال خواندن مطالبی» در زمینه‌های موضوع مورد پژوهش توصیف کرده‌اند، نشان‌دهنده این گفته دونالد کیس است که پژوهشگران علوم انسانی جریان پیوسته‌ای از اطلاعات از انواع منابع تثبیت‌شده را تحت کنترل دارند (Case, 1991).

تعدادی از شرکت‌کنندگان، استفاده از بانک‌های

ارتباط بین افراد

شرکت‌کنندگان در این بررسی، در طی پژوهش، الگوهای ارتباط بین اعضای هیئت علمی و دانشجویان دوره کارشناسی را نشان می‌دهند. بسیاری از شرکت‌کنندگان، مانند اعضای هیئت علمی، همواره با همکارانشان مشورت و در کنفرانس‌ها شرکت می‌کنند؛ گرچه، بسیاری از آنان، مانند دانشجویان دوره کارشناسی، به‌ویژه در طول مراحل اولیه یک پروژه پژوهشی، بسیار زیاد به مدرسان و استادان راهنما متکی هستند. ممکن است چنین به نظر برسد که دروازه ورودی به این «کالج نامرئی» برای بسیاری از دانشجویان تحصیلات تکمیلی از طریق استادان راهنمای پروژه است که تعداد زیادی از شرکت‌کنندگان به آنان احترام می‌گذارند و آنان را در این زمینه کارشناس می‌دانند. همان‌طور که در الگوهای مربوط به اعضای هیئت علمی و دانشجویان دوره کارشناسی شرح داده شده است، شرکت‌کنندگان در بررسی، تکیه زیادی بر کتابداران ندارند؛ گرچه، بسیاری از آنان به اهمیت کتابداران و آرشیویست‌ها در کمک به یافتن مطالبی که یافتنشان دشوار است، اذعان دارند.

منابع اطلاعاتی

تأکید شرکت‌کنندگان به منابع دست اول، آنان را با الگوی رفتار پژوهشی اعضای هیئت علمی مرتبط می‌سازد و بسیاری از آنان از رفتن به مکان‌های دیگر و صرف زمان بسیار زیاد در بایگانی‌ها و مجموعه‌های خاص سخن گفته‌اند؛ گرچه، هیچ‌کدام از شرکت‌کنندگان گزارشی در مورد تأکید زیاد بر مجموعه‌های شخصی ارائه نداده‌اند که این هم یکی از ویژگی‌های رفتار پژوهشی اعضای هیئت علمی به شمار می‌آید (Watson-Boone, 1994). با وجودی که برخی از

البته همه این گرایش‌ها در دانشجویان دوره کارشناسی مشاهده شده است (Leckie, 1996). گرچه، شرکت‌کنندگان اغلب تمایل اعضای هیئت علمی را مانند شروع پروژه‌ها، با توجه به دانش و تجربه موضوعی قابل توجه نشان نمی‌دهند. به عنوان مثال دونالد او. کیس (Donald O. Case) کارشناسان علوم انسانی را پژوهشگرانی می‌داند که عمدتاً «دانش چشمگیری درباره مطالب و افراد دارند، جریان مداوم اطلاعات از منابع دیگر را کنترل می‌کنند و فایل‌های کتاب‌شناختی بزرگ‌شان را بر اساس یادداشت‌ها و کتاب‌شناسی‌ها تشکیل می‌دهند» (Case, 1991). به همین ترتیب، گلوریا لکی (Gloria Leckie)، پژوهشگران عضو هیئت علمی را دارای «فرایندهای طولانی از نقل و انتقال فرهنگی، داشتن دانش عمیق درباره نظام» و «آگاهی از وجود پژوهشگران مهمی که در زمینه‌های خاص کار می‌کنند»، تعریف می‌کند (Leckie, 1996). با وجودی که شرکت‌کنندگان در مراحل آخر برنامه‌های دکتری بیشتر این تمایلات را نشان می‌دهند، اکثر آنان از الزام به یادگیری مطالب زیادی درباره زمینه‌های موضوعی‌شان گزارش داده‌اند که اغلب در مقایسه با دانش موضوعی قبلی اندک است و به اتکای زیاد بر تجربه موضوعی استادان راهنمای دانشگاه آنان گرایش دارد. بخشی از نگرانی را باید به حساب اشتیاقی گذاشت که بسیاری از شرکت‌کنندگان برای پذیرش اظهارات استادان راهنما در مورد عناوین پژوهش نشان می‌دهند، حتی اگر چنین عناوینی برخی اوقات از زمینه‌های اولیه مورد توجه دور باشند.

تنظیم پروژه‌های پژوهشی

گزارش‌های شرکت‌کنندگان، در ارتباط با فشارهای

اطلاعاتی و کتاب‌شناسی‌ها را در طی مراحل اولیه پروژه‌های پژوهشی‌شان و به کارگیری روش پیگیری مستندها را بیشتر از زمانی که کسب تجربه موضوعی کرده‌اند توصیف می‌کنند. این گرایش، نشان‌دهنده این گفته استفن ویرلی است که پژوهشگران علوم انسانی وقتی از زمینه‌های سنتی پژوهش خود پا را فراتر می‌گذارند، به‌طور کلی بیشتر با بانک‌های اطلاعاتی و کتاب‌شناسی‌ها مشورت می‌کنند و وقتی با متون بیشتر آشنا می‌شوند، دنبال کردن مستندها را ترجیح می‌دهند (Wiberley).

فرایند آغاز پروژه‌های پژوهشی

تعدادی از شرکت‌کنندگان به شروع تصادفی پروژه‌های پژوهشی‌شان اشاره کردند که اغلب با مفهوم مبهمی از شکل و فرم نهایی یک پروژه آغاز می‌شود. همان‌طور که یکی از شرکت‌کنندگان توصیف می‌کند، در مراحل اولیه یک برنامه ممکن است درک این مطلب که پروژه نهایی چه شکلی خواهد داشت برای دانشجویان دشوار باشد: این هفته من بخش اعظم وقتم را صرف خواندن رساله‌های دوستانم کرده‌ام... و واقعاً فهمیده‌ام که این کار بی‌نهایت سودمند است، چون حالا می‌دانم یک رساله چه شکلی است. خیلی از افراد قبل از آنکه خودشان شروع به نوشتن رساله‌شان بکنند هیچ نمونه‌ای را نخوانده‌اند.

به‌رغم چنین عدم اطمینانی، شرکت‌کنندگان نگرانی زیادی را در ارتباط با مراحل آغازین پروژه‌های پژوهشی‌شان گزارش نکرده‌اند و شرح عادات پژوهشی آنان نیز نشان‌دهنده راهبردهای «مقابله‌ای» یا محدود کردن زمان یا تلاش نیست که

علوم انسانی، آنان را از الگوهای مربوط به اعضای هیئت علمی و دانشجویان دوره کارشناسی متمایز می‌نماید؟ اگر چنین است چگونه؟ پاسخ اجمالی به این پرسش آن است که جنبه‌های خاصی از رفتار اطلاع‌یابی آنان باعث می‌شود دانشجویان تحصیلات تکمیلی از دانشجویان دوره کارشناسی و اعضای هیئت علمی متمایز شوند. گرچه زمینه‌هایی از تشابه هم وجود دارد، الگوی رفتار اطلاع‌یابی دانشجوی تحصیلات تکمیلی که در این بررسی مشخص می‌شود، به وضوح مبین الگوهای اعضای هیئت علمی یا دانشجویان دوره کارشناسی نیست. برخی وجوه گسترده در باب مقایسه، نکات زیر را نشان می‌دهد:

دانشجویان تحصیلات تکمیلی در رشته‌های علوم انسانی مانند اعضای هیئت علمی:

- برای بازخورد و اظهار نظرها به کارشناسان موضوعی دیگر دانشگاه‌ها و همکارانشان در مؤسسات داخلی اتکا می‌کنند؛

- اساساً به مطالب دست‌اول علاقه‌مند هستند و برای دستیابی به آنها به نقاط دوردست هم می‌روند.

- با روشی «کارآگاهی» برای جستجوی اطلاعات، انجام بررسی سریع، پیگیری گفته‌های دیگران و مطالعه پیوسته درباره یک موضوع بدون نگرانی درباره ضرب‌الاجل‌ها یا انجام تکالیف لازم، مشکلی ندارند؛

- مایل‌اند پروژه‌های پژوهشی را به روش‌های تصادفی و غیرمترقبه آغاز کنند.

دانشجویان تحصیلات تکمیلی در رشته‌های علوم انسانی، بیشتر مانند دانشجویان دوره کارشناسی:

- به‌طور منظم از فناوری اطلاعات الکترونیک استفاده می‌کنند و اغلب از موتورهای جستجوی اینترنتی برای یافتن اطلاعات کلی درباره یک

زمانی و نزدیک شدن ضرب‌الاجل‌ها، همانند الگوی پژوهشی دانشجویان کارشناسی است تا الگوی پژوهشی اعضای هیئت علمی گروه علوم انسانی؛ گرچه، انواع فشارها و نگرانی‌ها مبین وضعیت دانشجوی دوره کارشناسی نیست، زیرا هیچ‌یک از شرکت‌کنندگان گزارشی مبنی بر نگرانی درباره کیفیت کار خود یا احتمال عدم موفقیت در انجام تکالیف لازم ارائه نکرده‌اند.

فشارهای زمانی گزارش شده توسط اعضای هیئت علمی، کمتر درباره کارهای تخصصی و بیشتر مربوط به ایجاد فرصت برای انجام پژوهش در یک برنامه پرمشغله بوده است (Boice et al. 1997; Schwartz, 1991). همان‌طور که تعدادی از دانشجویان تحصیلات تکمیلی هم گزارش کرده‌اند یافتن فرصت برای پژوهش، به‌ویژه برای کسانی که درگیر درس دادن و پروژه‌های کنفرانسی هستند، می‌تواند دشوار باشد. عده زیادی موافق‌اند که دانشجویان دوره‌های تکمیلی، به‌طور کلی در مقایسه با بسیاری از پژوهشگران عضو هیئت علمی، زمان کمتری برای پژوهش دارند. یکی از شرکت‌کنندگان می‌گفت: «ما مجبوریم این کار را در مدت کوتاه‌تری انجام بدهیم، منظورم این است که برخی افراد ده سال روی یک کتاب کار می‌کنند اما ما ده سال فرصت نداریم؛ درحالی‌که نوشتن رساله [دکتری] مانند نوشتن کتاب است». بسیاری از شرکت‌کنندگان اضافه می‌کنند که دانشجویان دوره کارشناسی از لحاظ ضرب‌الاجل‌های متعدد، اغلب در مقایسه با دانشجویان تحصیلات تکمیلی، وقت کمتری برای انجام تکالیفشان دارند.

بحث

پرسش مهم این پژوهش این بود: آیا رفتارهای اطلاع‌یابی دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته‌های

به‌جز رساله) برنامه دکتری است. شرکت‌کنندگان که این مرحله را پشت سر گذاشته‌اند همگی از آن به‌عنوان دوره‌ای منحصربه‌فرد در دوران تحصیلات تکمیلی خود نام می‌برند که در طی آن با انتقال دانشجویان از کار درسی و امتحانات جامع به تمرکز بر پروژه‌های تحقیقاتی، تغییر مهمی صورت می‌گیرد.

«اگر دانشجویان تحصیلات تکمیلی را یک گروه کاربر منحصربه‌فرد در نظر بگیریم گمراه‌کننده خواهد بود، ولی برداشت صحیح‌تر می‌تواند این باشد که آنان را گروهی متشکل از مجموعه‌ای خاص فرض کنیم»

شرکت‌کنندگان، این مرحله را مرحله «دریافت موجودی»، کشیدن «یک نفس عمیق و آسوده» و مقابله با «خستگی» بیان کرده‌اند که همه آنان به دلیل دشواری آغاز پروژه‌های رساله‌ای با هم ترکیب می‌شوند: «تعداد زیادی از دانشجویان دوره دکتری، ظاهراً در این مرحله در وضعیتی بسیار راحت مستقر می‌شوند و با کندی بسیار از پیچ‌وخم‌های فصل‌ها خارج می‌گردند». یکی از آنان می‌گوید: «آنها با انجام تعداد زیادی از پروژه‌های متفاوت منحرف می‌شوند». بسیاری از شرکت‌کنندگان هم از تجربه کردن دشواری‌ها در مقابله با فشار حوزه‌ای، برای پرداختن دقیق به برنامه‌ریزی و تحقیق رساله، در مدت کوتاهی بعد از به پایان رسیدن امتحانات جامع گزارش داده‌اند. از این‌رو، گرچه نکات گسترده مقایسه‌ای زیادی سبب تمایز دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته‌های علوم‌انسانی از دانشجویان دوره کارشناسی و اعضای هیئت علمی می‌شود، هنوز هم باید کار زیادی در زمینه کشف نکات معتبرتر مقایسه بین مراحل خاص کار دانشجویان تحصیلات تکمیلی انجام شود. زمینه‌هایی که ارزش اکتشاف را دارند عبارت‌اند از: مراحل کار درسی در سال اول

موضوع بهره می‌گیرند؛

● به توصیه و راهنمایی مدرسان و مطالب درسی بسیار تأکید می‌کنند (تا حدی که تکالیف دوره تبدیل به ترها و رساله‌ها می‌شوند)؛

● در طول مراحل اولیه برنامه‌هایشان فاقد مجموعه‌های شخصی و تجربه موضوعی در زمینه‌هایی هستند که درباره آنها تحقیق می‌کنند.

دانشجویان تحصیلات تکمیلی در رشته‌های علوم‌انسانی، با توجه به موارد زیر، با اعضای هیئت علمی و دانشجویان دوره کارشناسی اختلاف دارند:

● هنگام شروع و پیشرفت پروژه‌های پژوهشی اصلی، به استادان راهنمای تحقیق بسیار وابسته می‌شوند. نمی‌توان درباره اهمیت این اعتماد در آغاز، پیشبرد و تکمیل پروژه‌های پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی در رشته‌های علوم‌انسانی اغراق نمود؛

● تقابل مثبت با فشارهای زمانی منحصربه‌فرد در پیشبرد برنامه‌ها، از جمله بررسی جامع برنامه‌ها، ضرب‌الاجل‌های احتمالی و انتظارات مربوط به پیشرفت و تکمیل به‌موقع پروژه.

اگر دانشجویان تحصیلات تکمیلی را یک گروه کاربر منحصربه‌فرد در نظر بگیریم گمراه‌کننده خواهد بود، ولی این برداشت صحیح‌تر می‌تواند باشد که آنان را گروهی متشکل از مجموعه‌ای خاص از مراحل فرض کنیم. به‌طورمثال، ممکن است ظاهراً چنین به نظر برسد که یک دانشجوی سال اول دوره کارشناسی ارشد نقاط مشترک اندکی با یک نامزد دوره دکتری که خود را برای دفاعیه آماده می‌کند، دارد. اما هر دو دانشجو، با پشت سرگذاشتن مراحل تثبیت‌شده برنامه‌های خود، ظاهراً الگوهای نسبتاً قابل پیش‌بینی را دنبال می‌کنند. یکی از این مراحل، مرحله به اصطلاح «ABD»^۱ (همه

استفاده کردند، خدماتی که گرچه با ارزش محسوب می‌شوند، از نوع خدماتی که بتواند سازندهٔ مراحل اولیهٔ برنامه‌های آنان باشد نیست. افزون بر این، نتایج این بررسی نشان می‌دهد کسانی که به مرحلهٔ پیگیری کارهای خاص رسیده‌اند، قبلاً مراحل ضروری انتخاب عنوان، تنظیم و آغاز پروژه را پشت سر گذاشته‌اند و از این رو، به طور نسبی، دیگر نیاز چندانی به کمک ندارند.

همچنین، نتایج این پروژه نشان می‌دهد که دانشجویان در مشاغل دانشگاهی خود، یعنی جایی که درگیر شدن در عادت پژوهشی می‌تواند بر پژوهش بعدی اثر بگذارد، سال‌های فوق‌العاده بااهمیتی را پشت سر می‌گذارند. علاوه بر این، سرنخ‌ها و نکات پژوهشی که دانشجویان تحصیلات تکمیلی با نزدیک شدن به انتهای زمان برنامه‌هایشان جمع‌آوری می‌کنند، اغلب پایه و اساس پژوهش آنان را برای پنج تا ده سال آینده، به عنوان پژوهشگران حرفه‌ای، تشکیل می‌دهد. بدین ترتیب، عاقلانه به نظر می‌رسد که کتابداران به ارتقای جایگاه و ارتباط خود در میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی، به عنوان روشی برای منسوب کردن خودشان در عادات پژوهشی آیندهٔ اعضای هیئت علمی رشته‌های علوم انسانی بپردازند.

دورهٔ کارشناسی ارشد و دکتری، امتحانات جامع در سطح دکتری، آغاز نوشتن تز یا رساله در سطح کارشناسی ارشد و دکتری و دورهٔ طولانی‌تر بعد از آغاز کار و قبل از دفاعیه برای برنامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری.

نکات مهم برای کتابداران

همان‌طور که این بررسی نشان می‌دهد، دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته‌های علوم انسانی، روش‌های مشترکی برای پژوهش دارند که کتابداران باید از آنها آگاه باشند، اما نیازهای متفاوتی هم در مراحل مختلف برنامه‌هایشان دارند. از این رو، برای کتابداران روش مؤثری خواهد بود که به خدمات ارائه‌شده به دانشجویان تحصیلات تکمیلی به عنوان «مناطق مداخله» ببینند و در این سخن به گفتهٔ کارول کوهلتائو (Kuhlthau) استناد می‌کنیم که می‌گوید: کتابداران با شناخت الگوهای رفتاری دانشجویان تحصیلات تکمیلی، در رشته‌های علوم انسانی در مراحل خاص از برنامهٔ تحصیلی، بهتر می‌توانند خدمات کلیدی را به گروه‌های مورد نظر ارائه دهند. به‌طورمثال، بسیاری از شرکت‌کنندگان در این بررسی برای پیدا کردن آثار خاص، اکثر از کتابداران